

فانامگ

فارسیهود

به کوشش
ناهید پیرنظر

فارسیهود

به کوشش
ناهید پیر نظر



کتاب ایران نامک

۱۳۹۷

سرسنلسمه : پیرنظر، ناهید، ۱۳۲۳ - گردآورنده

Pirmazar, Nahid

- عنوان و نام پدیدآور : فارسیهود/ به کوشش ناهید پیرنظر؛ زیر نظر محمد توکلی طرقي، همایون کاتوزیان.
مشخصات نشر : تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری : ۲۲۲ص: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست : کتاب ایران نامگ.
شلیک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰۱-۵۹-۶
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : عنوان به انگلیسی: Judeo-Persian
موضوع : فارسی یهودی
موضوع : Judeo-Persian language
موضوع : ادبیات فارسی یهودی
موضوع : Judeo-Persian literature
موضوع : یهودیان - ایران - تاریخ
موضوع : Jews - Iran - History
شناسه افزوده : توکلی طرقي، محمد، ۱۳۳۶ - ناظر
شناسه افزوده : کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۲۱ -
شناسه افزوده : Katouzian, Mohammad Ali
رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ پ ۹۱/۵۱ PIR۳۲۷۶
رده بندی دیویی : مر۴۹۹
شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۰۲۹۹۱

فارسیهود

به کوشش: ناهید پیرنظر

فروست: کتاب ایران نامگ

ویراستاران: محمد توکلی طرقي و همایون کاتوزیان

ویراست یار: وحید طلوعی

برگ آرا و طرح روی جلد: پریسا یزدانجو

ناشر: پردیس دانش

محل نشر: تهران

سال انتشار: ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰۱-۵۹-۶

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

فارسی‌هود

- ۹ میراث فرهنگی یهودیان ایران
ناهید پیرنظر
- ۴۵ مقدمه‌ای بر فارسی‌یهودی
تامار گیندین
- ۶۱ زمینه فکری و اعتقادی شعرای یهود ایران
داوید پروشلمی
- ۸۵ کتاب فرایض: سفرها میتصوت
ناهید غنی
- ۹۵ لُترایی: گویش یهودیان اصفهان
ایوب ابراهیمی
- ۱۱۳ هنری مارتین و ترجمه انجیل او به سبک ادبیات فارسی‌یهودی
حیدر عیوضی، احمد مقری و محسن گلپایگانی
- ۱۲۷ تاریخ ایران در کتاب انوسی بابایی بن لطف
ناهید پیرنظر
- گزیده‌ها
- ۱۵۱ نمونه‌هایی از ادبیات فارسی‌هود
ناهید پیرنظر
- بخش انگلیسی
- 6 یهودیان در خراسان پیش از حمله مغول
شائول شاکد
- 26 "این قانون پارسیان است: "اشاره‌ای به قانون ساسانی ضمانت در تلمود بابلی
ماریا ماتسوخ
- 40 دستنویس‌های اشراقی فارسی‌یهودی
اوریت کارملی

میراث فرهنگی یهودیان ایران

ناهید پیرنظر

برنامه آموزش ادبیات فارسیهود حبیب لوی، بخش ایران شناسی دانشگاه یوسی ال ای

اگر نگاهی به تاریخ مستند ایران باستان بیاندازیم، قوم یهود را در فراز و نشیب های تاریخی و فرهنگی این سرزمین و در تکوین هویت ایرانی سهمیم می بینیم. ورود قوم یهود به سرزمینی که بعدها جزو قلمرو دولت ماد درآمد در حدود ۷۲۲ پم آغاز شد. پادشاهان آشور ده قبیله از فرزندان یعقوب را از سرزمین اسرائیل به نینوا کوچ دادند. مهاجرت یهودیان در زمان کورش کبیر و پس از فتح بابل در ۵۳۹ پم و آزاد ساختن اسرای یهودی، که بخت النصر دوم در ۵۸۶ پم از اورشلیم به بابل به اسارت آورده بود، ادامه یافت. پیگیری وقایع تاریخی این

۲۷۰۰ سال را به کتاب‌های تاریخ واگذار می‌کنیم.^۱ در طی قرون و اعصار، بعد از قوم یهود هم اقوام خارجی دیگر از عرب و ترک و مغول و ارمنی و آسوری یا در ایران سکنی گزیدند و در تشکیل هویت ایرانی سهمی بر عهده گرفتند یا فرهنگ و ادب ایران را به سرزمین خود بردند و بر آن افزودند. گسترش تأثیر آثار ادب و فرهنگ ایرانی از شبه‌قاره هند و کوه‌های نیپال تا آسیای صغیر و افغانستان و تاجیکستان و ترکیه امروز و سایر نواحی تا به امروز باقی مانده است. آن گروه از یهودیان که پس از اسارت به اراده خود در ایران سکنی گزیدند، در حین حفظ اعتقادات دینی و سنن مذهبی خود، زبان و مظاهر فرهنگی و ادبی ایران را پذیرفتند، رفته‌رفته با آن خو گرفتند و در تکوین و تکامل آن نقش داشته‌اند.

تلمود و سایر کتب مذهبی یهود از یک سو و کتاب‌های دینی زرتشتیان چون دینکرد، شکند کمانیک و یچار و مینوگ خرد از سوی دیگر همبستگی فرهنگی ایران باستان و قوم یهود را نشان می‌دهند.^۲ انتخاب اختیاری گروهی از یهودیان برای زندگی در ایران، علی‌رغم داشتن آزادی برای بازگشت به اورشلیم طبق فرمان کورش، ریشه اولیه این پیوند فرهنگی و اجتماعی است. بنا به فرضیه جان برکویست (Jon Berquist)، روابط قوم یهود و ایران برای اولین بار به فرمان داریوش اول با رسمیت دادن به قوانین تورات به منزله قوانین کشوری در نواحی یهودی‌نشین پا گرفت.^۳ تفاسیر عزرا از قوانین تورات و تأثیر ایران بر آن قدم بعدی برای تحکیم این روابط بود. در این زمینه، عزرا "قانون پادشاه ایران" را چونان "قوانین الهی و آسمانی" دانست و یهودیان را به اجرای آن مکلف کرد.^۴ عامل دیگر تحکیم این روابط، نزدیکی امپراتوری ایران با معبد دوم بود. چنان که در کتاب عزرا آمده است، به درخواست داریوش کبیر، همه‌ساله اجرای مراسم

^۱ حبیب لوی، تاریخ یهود ایران (چاپ ۲؛ لوس آنجلس: سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی، ۱۹۸۴)؛ حبیب لوی، تاریخ جامع یهود ایران، بازنوشته هوشنگ ابرامی (لوس آنجلس: بنیاد فرهنگی حبیب لوی، ۱۹۹۷)؛ آمنون نتصر، پادیاوند (لوس آنجلس: مزدا، ۱۹۹۶-۱۹۹۹).

^۲ آمنون نتصر، "سیری در ادبیات یهود ایران"، در پادیاوند، جلد ۱، ۴۱-۴۳.

^۳ Jon L. Berquist, *Judaism in Persia's Shadow* (Minneapolis: Fortress Press, 1995), 135.

^۴ کتاب عزرا، فصل ۷، آیه ۲۶.

قربانی برای پادشاه ایران و خانواده‌اش در معبد مقدس صورت می‌گرفت و این رسم تا پایان دوران هخامنشیان و به قولی تا خرابی معبد دوم ادامه داشت.^۵

ادب و فرهنگ یهودی در دوران هخامنشی

پادشاهان هخامنشی برای مراوده با اقوام و ملل گوناگون زبان‌ها و خطوط متفاوت به کار می‌بردند و در مکاتبات و روابطشان با یهودیان از خط و زبان آرامی شرقی استفاده می‌کردند. شاهد این امر هم نوشته‌های تورات است و هم ترجمه‌ای به زبان آرامی از کتیبه بیستون که در میان اسناد پاپیروس جامعه یهودی ساکن شهر یب (Yeb) در جزیره الفانتین (Elephantine)، واقع در جنوب مصر، یافت شده است. این ترجمه ممکن است مربوط به دوران فتوحات کمبوجیه در مصر (۵۲۵ پ.م) در هنگام تسخیر جزیره الفانتین باشد. در منابع تاریخی آمده است که کمبوجیه به‌رغم تسخیر این جزیره به معبد یهودیان در شهر یب هیچ آزاری نرسانید.^۶ هخامنشیان همان‌گونه که برای زبان ملت‌ها ارزش قائل بودند، آزادی عقیده و مذهب آنها را نیز رعایت می‌کردند.^۷ توصیه یرمیا (Jeremiah) و تشویق یهودیان به انطباق با محیط جدید عامل دیگری در تقویت این آمیزش فرهنگی و اجتماعی بین ایرانیان و قوم یهود بوده است.^۸

مسلم است که قسمت‌هایی از عهد عتیق، در قسمت پیامبران (Navi'im) و مکتوبات (Kethuvim) در عهد پادشاهان هخامنشی تکوین یافتند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

^۵ کتاب عزرا، فصل ۶، آیه ۱۱. همچنین، بنگرید به

H. Tadmor, "The Babylonian Exile, and the Restoration," in *History of the Jewish People*, eds. H. H. Ben-Sasson et. al. (Cambridge: Harvard University Press, 1976), 171-172; Otkar Klima et. al., *History of Iranian Literature* (Dordrecht: D. Reidel, 1968), 19; Ben-Sasson et al. (eds.), *History of the Jewish People*, 180.

^۶ Klima et. al., *History of Iranian Literature*, 20

^۷ Klima et. al., *History of Iranian Literature*, 20

^۸ کتاب یرمیا، فصل ۲۹، آیات ۵-۷. همچنین بنگرید به

Jon Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 65-66.

کتاب هَگای (Haggai)^۹ که مربوط به بازسازی معبد دوم و لشکر کشی داریوش اول به مصر و شامل مطالب مرتبط با تهیه آذوقه برای لشکریان امپراتوری ایران است.^{۱۰}

کتاب زکریا (Zechariah) که بازسازی معبد مقدس با سرمایه امپراتوری ایران و برخورد لشکریان ایران با اهالی بازمانده شهر اورشلیم و مهاجران اطراف آن را توصیف می‌کند. در این کتاب، زکریا بردباری و همراهی با حکومت ایران را تأیید می‌کند.^{۱۱}

کتاب اِشعیا (Isaiah) که ضمن گزارش اخبار دوران هخامنشی، نشان‌دهنده عقاید و نظریات آن دسته از یهودیانی است که از اقامت و سلطه ایران بر یهودیه نگران و شاکی بودند.^{۱۲}

کتاب مَلاخِی (Malachi) که بیشتر جنبه مکاشفه دارد، تغییر روش خشایار شاه را بیان و از کاهش بودجه نگهداری معبد انتقاد می‌کند.^{۱۳} هر شش فصل کتاب مَلاخِی مربوط به دورانی است که یهودیه از حمایت کمتری از جانب ایران برخوردار بود و کم‌کم پایه‌های انشعاب (pluralism) پی‌ریزی شد.^{۱۴}

کتاب‌های عزرا و نحمیا (Ezra-Nehemiah) که مربوط به اردشیر، پادشاه هخامنشی هستند، هنوز هم مشخص نیست در دوران کدام اردشیر، اول یا دوم، نوشته شده‌اند.^{۱۵} این دو کتاب تأثیر حکومت و فرهنگ ایران بر یهودیت را

^۹ آوای فتحه زبان عبری در زبان‌هایی که فتحه ندارند، به صورت /v/ یا /ā/ نوشته می‌شود.

^{۱۰} کتاب هَگای، ۱-۲. همچنین، بنگرید به

Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 70-73.

^{۱۱} کتاب زکریا، ۱-۸. همچنین، بنگرید به

Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 74.

^{۱۲} کتاب اشعیا، ۵۶-۶۶. همچنین، بنگرید به

Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 94-95.

^{۱۳} Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 21.

^{۱۴} Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 110.

^{۱۵} Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 112.

در صحنهٔ سیاسی کاملاً مشخص می‌کنند؛ به‌خصوص در کتاب عزرا که فرمان خداوند و فرمان پادشاه در یک ردیف قرار می‌گیرند. عزرا وظیفهٔ وفاداری دوگانهٔ خود و سایر یهودیان ایران را به قومیت یهودی و شهروندی ایرانی مشخص می‌سازد: "هر کس که از فرامین خداوند و قوانین پادشاه سر باز زند، بگذارید که مجازات نسبت به آنها به صورت مرگ، تبعید، ضبط اموال و یا زندان به مرحلهٔ اجرا درآید."^{۱۶}

سبک‌های ادبی یهودی در دوران هخامنشی

بسیاری از نوشته‌ها و ادبیات اواخر دوران هخامنشی در یهودیه تأیید پیروی از حکومت ایران را به پرسش گرفته و با اعتراض بر این تسلط نوشته شده‌اند. این موقعیت حساس در این دوره باعث ایجاد دو مکتب ادبی در یهودیت شد که نویسندگان هر دوی آن کاتبین، یعنی طبقهٔ تحصیل کردهٔ جامعه، بودند. ادبیات این دوران را می‌شود به دو مکتب "ادبیات حکمت" و "ادبیات مکاشفه" تقسیم کرد.

ادبیات حکمت (Wisdom Literature)

طبقهٔ کاتب و همفکران آنان، که اکثراً از میان طبقهٔ متوسط بالا بودند، سعی داشتند نوعی "نظم جهانی" برای انسان‌ها ایجاد کنند. از جمله کتاب‌های این مکتب عبارت‌اند از کتاب‌های امثال سلیمان یا تهیلیم (Psalms)، ایوب (Job) و جامعه یا کوهلت (Ecclesiastes). ادبیات مبتنی بر حکمت معتقد بود که خداوند جهان را بر پایهٔ عقل و حجت قرار داده و حقیقت عالی و پنهان در انتظار است که انسان آن را کشف کند. به نظر آنان، حکمت به واسطهٔ آموزش و با همراهی منطق و عقل می‌تواند به این هدف برسد. از دیدگاه کتاب "امثال سلیمان"، حکومت و "نظام جهانی" شاهنشاهی ایران می‌توانست برای همیشه ادامه پیدا کرده و معبد مقدس هم می‌توانست آداب و رسوم خود را حفظ

^{۱۶} کتاب عزرا، فصل ۷، آیه ۲۶. همچنین، بنگرید به

کند. در این مکتب، فضیلت‌های "کنترل نفس"، "اطاعت" و "تحمل" تحسین می‌شدند. در کتاب‌های ایوب و جامعه، با اینکه سعی شده نارضایتی‌های مردم را از سلطه حکومت هخامنشی نشان دهند، هیچ‌گونه راه حلی پیشنهاد نشده است.^{۱۷}

ادبیات مکاشفه (Apocalyptic Literature)

به علت شرایطی که نبوت در اواخر دوران تسلط ایرانیان با آن مواجه بود، مکاشفه به منزله وسیله دیگری برای مشاهده حقیقت و رابطه با خداوند به کار می‌رفت. این طرز فکر بیشتر در خصوص خداوند معنا داشت تا امور سیاسی. علت پیدایش این سبک ادبیات، یأس از قدرت و اختیار بشر در جامعه بود. معمولاً به هنگام ناامیدی با تأکید بر نقش "اراده الهی" و "تقدیر" در تنظیم حوادث می‌توان وقایع را توجیه کرد.^{۱۸} برخلاف ادبیات حکمت که جهان را با نوعی "نظم اجتماعی" توصیف می‌کند، ادبیات مکاشفه معتقد به وجود هرج و مرج اجتماعی در جهان بوده، بر این اعتقاد است که بشر قادر به حل مشکلات خود نیست. بنابراین، خداوند با نابود کردن دشمنانش مسایل او را برطرف می‌کند. اهل مکاشفه به خوبی از درگیری میان جوامع مختلف تحت حکومت استعماری آگاهی داشتند و طالب حذف حکومت خارجی و برقراری تشکیلاتی الهی به جای آن بودند. اصولاً اهل مکاشفه برای از بین بردن بدی، آرزوی انهدام کل نظام اجتماعی را داشتند.^{۱۹} کتاب‌های دانیال (Daniel) و زکریا (Zechariah) نمونه‌هایی از ادبیات مکاشفه‌اند.

ادب و فرهنگ یهودی در دوران ساسانیان

دوره دیگر روابط یهودیه و ایران در دوره ساسانیان (۲۲۵-۶۵۱م) مقارن با ایام بعد از خرابی معبد دوم (۷۰م) و تسلط رومیان بر یهودیه بود. این دوران را از نظر تاریخ و فرهنگ یهودیان به دو نیمه قبل و بعد از بهرام پنجم تقسیم

^{۱۷}Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 172-173.

^{۱۸}Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 178.

^{۱۹}Berquist, *Judaism in Persia's Shadow*, 189.

می‌کنند. نیمه اول با دوران پادشاهی شاپور اول (۲۴۰م) شروع می‌شود و تا پایان سلطنت یزدگرد اول (۴۲۱م) ادامه پیدا می‌کند و نیمه دوم با پادشاهی بهرام پنجم (ح. ۴۲۱-۴۳۹م)، حاصل ازدواج یزدگرد اول با شوشندخت دختر روش گالوت، رهبر جامعه یهودیان بابل (تیسفون)، آغاز شده، با پایان دوره ساسانیان (۶۵۲م) و حمله اعراب خاتمه پیدا می‌کند.

برخلاف ازدواج ملکه استر با خشایارشا که در عهد عتیق به صورت کتاب آمده است، در تلمود یا سایر منابع یهودی هیچ ذکری از ازدواج یزدگرد اول با شوشندخت نیست و مرجع ما در این مورد کتاب شترستان‌های ایران است که به زبان پهلوی نوشته شده است.^{۲۰} در نیمه اول دوران ساسانیان، به واسطه روابط حسنه سران جامعه یهودی با شاپور اول و شاپور دوم و مادرش یفراهرمز، پایه‌های تدوین تلمود در آکادمی‌های بابل که در آن موقع هنوز در خاک امپراتوری ایران واقع بودند، گذاشته شد. نیمه دوم دوران ساسانیان، که برعکس نیمه اول همراه با فشارهای مذهبی سران و پادشاهان بود، دوران بستن تلمود و تفسیرهای آن بود. باید در نظر داشت که فشارهای مذهبی زرتشتیان در این زمینه فقط متوجه یهودیان نبود و از دیدگاه رهبران زرتشتی هر چه و هر کس که با اهورمزدا مرتبط نبود اهریمنی و شر بود و وظیفه هر زرتشتی مؤمن این بود که با بدی و شر مبارزه کند و آن را از بین ببرد.^{۲۱} در نیمه اول حکومت ساسانیان، سربازان یهودی ایرانی مانند سایر مردان ایرانی در جنگ‌های ایران علیه روم شرکت داشتند. در دوران خسرو پرویز، به هنگام تسخیر اورشلیم (۶۱۴-۶۲۸م) که در آن تاریخ در تسلط رومیان بود، یهودیان ساکن آن شهر به تقاضای خسرو پرویز پاسخ مثبت دادند و دلیرانه سربازان او را در تسخیر اورشلیم یاری دادند. به دنبال آن، خسرو پرویز به هنگام بازگشت از اورشلیم گروهی از یهودیان را با خود به ایران برد و آنان را در خاک ایران اسکان داد.^{۲۲}

^{۲۰} تنصیر، پادیاوند، جلد ۱، ۲۹-۳۰.

^{۲۱} Robert Brody, "Judasim in the Sasanian Empire: A Case Study in Religious Coexistence," in *Iran Judaica*.

^{۲۲} تنصیر، پادیاوند، جلد ۱، ۳۵-۳۶.

فضای علمی و فرهنگی ایران تا اواسط قرن چهارم میلادی یهودیان را آزاد گذاشته بود که عقاید مذهبی و فرهنگی خود را پیگیری کنند. بدین منوال، تدوین‌کنندگان تلمود بابلی، که آنها را آمورا (Amora) می‌خوانند،^{۲۳} قوانین میشناه (Mishnah)، اولین مجموعه فقه یهود، را در خاک ایران و در آکادمی‌های یهودیان تعبیر و تفسیر و آن را به صورت تلمود بابلی به یهودیت عرضه کردند؛ اثری که در قرون وسطا، بعد از کتاب مقدس، یگانه مرجع مذهبی و فرهنگی و راهنمای قوانین و آداب یهودیان جهان به حساب می‌آمد.

یهودا هَناسی/هَناسی (Yehuda ha-Nasi)، رهبر روحانی یهودیان در سرزمین اسرائیل در حدود سال ۲۰۰م، همهٔ مباحثات و مواظظ بزرگان و مکتب‌های متفاوت یهود را که اغلب شفاهاً به نسل‌های بعدی رسیده بود، در شهر یاونه (Yavneh) گرد آورد و آنها را بنا به موضوع در شش کتاب بزرگ با نام میشناه تنظیم کرد. تحقیقات و تفاسیری که بر این شش کتاب بعد از تدوین میشناه نوشته شدند، گماراه (Gemarah) نام دارد و ترکیب میشناه و گماراه تلمود نامیده می‌شود. این تفاسیر در دو ناحیهٔ متفاوت اورشلیم و بابل در دوران ساسانیان صورت گرفتند. تلمود یروشلمی در سال ۴۰۰م و تلمود بابلی در سال ۴۹۹م شکل نهایی خود را یافتند. در طول تاریخ نسخهٔ تلمود بابلی منبع موثق و معتبری شناخته و پذیرفته شده و بر تلمود یروشلمی رجحان یافته است.^{۲۴} سه آکادمی معروف آن زمان، نهردعا (Nehardea) و سورا (Sura) و پومبیدتا (Pumbedita)، نقش مهمی در تدوین تلمود داشتند.

باید یادآور شد که علمای بزرگ قسمت‌هایی از رساله‌های میشناه و تفسیرهای آن را تا قرن چهارم میلادی شفاهاً و سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر رسانیده بودند، زیرا که در آن زمان نوشتن این تفاسیر در یهودیت منع شده بود. بزرگ‌ترین پیشوای نهضت حفظ این میراث، راب آشی (Rab Ashi)، به سبب عدم امنیت و بیم از هم پاشیده شدن احساس مسئولیت کرد، پای از

^{۲۳} رابینیم یهود را که بعد از تدوین میشناه به تفسیر آن همت گماردند و تلمود را نوشتند امورا می‌نامند. ^{۲۴} لوی، تاریخ جامع، ۱۳۷.

حد رسوم و قواعد فراتر نهاد و دستور مکتوب ساختن گماراه را که تا آن زمان به صورت شفاهی حفظ شده بود صادر کرد. بدین ترتیب، نقش او در تفسیر میشناه و تدوین گماراه را می‌توان با نقش عزرا در مکتوب ساختن و حفظ دعاها و مراسم مذهبی در زمان هخامنشیان و دوران معبد دوم مقایسه کرد.^{۲۵} طبق نوشته تلمود بابلی، رابینا (Rabbina)، آخرین رئیس آکادمی سورا، و راب یوسی (Rab Yose)، رئیس آکادمی پومبیتا، مقارن با عهد قباد اول (۴۸۸-۵۳۱م) در سال ۴۹۹م تفسیر میشناه و تدوین تلمود بابلی را خاتمه یافته اعلام کردند و افزودند که مجموعه مباحثات، دستورات و فتاوای گردآوری شده حجت است و نباید مطلبی دیگر بر آن افزوده شود.^{۲۶} تلمود بابلی ۳ میلیون کلمه دارد، به زبان عبری و آرامی شرقی نوشته شده است و قدمت برخی از تفاسیر و عقاید موافق و مخالف آن به روزگار اسارت در بابل و سخنرانی‌های روحانیون در کنیسه‌های آن زمان می‌رسد.^{۲۷}

تدوین تلمود در خاک ایران از رویدادهای مهم تاریخ یهود و تاریخ ایران است و، همچون بازسازی معبد دوم، ریشه‌های پیوند یهودیت و ایران را همیشگی و مستحکم نگاه داشته است. در هر نقطه از جهان و در هر لحظه از زمان، یهودیان دوام و تدوین قسمت اعظم قوانین خود را مدیون ایران و کمک‌های پادشاهان آزادمش آن می‌دانند. تلمود بابلی که مخلوطی از قوانین شریعتی یا هالاخاه/هالاخاه (Halakhah) و احادیث و روایات یا آگاده (Aggadah) است، به علت قرن‌ها زندگی یهودیان در ایران بسیار متأثر از فرهنگ ایرانی و زرتشتی و سایر مفاهیم و لغات خارجی است. وجود لغات پهلوی در تلمود و وجود لغات آرامی در نوشته‌های پهلوی آن دوران دلیل آشکاری بر این پیوستگی و تبادل فرهنگی است.^{۲۸}

^{۲۵} لوی، تاریخ جامع، ۱۳۶-۱۳۷.

^{۲۶} لوی، تاریخ جامع، ۱۳۷؛

Ben-Sasson et al. (eds.), *History of the Jewish People*, 378-379.

^{۲۷} تنصیر، پادیاوند، جلد ۳، ۱۲۱-۱۲۲.

^{۲۸} لوی، تاریخ جامع، ۱۳۸.

یهودیان ایران پس از تورات، تلمود و مواظ پندآمیز یا میدراش‌ها (Midrash) را راهنمای مذهبی خود قرار داده، قسمت‌هایی از موضوعات آن را به فارسیهود برگردانیده‌اند. گاهی هم حکایات و روایاتی از فرهنگ خود بر آن افزوده‌اند. یکی از تفاسیر آمیخته به مواظ و حکایات که یهودیان ایران بیش از هر مبحث تلمودی دیگر بدان توجه کرده‌اند، رساله اندرز پدران (مَسِخَت آووت) یا پیرقه آووت (پیرقه آبوت) است. این رساله که تفسیر ندارد، مجموعه‌ای کم‌نظیر از پندها و اندرزهاست.^{۲۹} همین رساله را شاعر ایرانی فارسیهود با نام گنج‌نامه به نظم در آورده است.

تلمود را می‌شود از نظر هدف با دینکرت در آیین زرتشت (مزدیسنا) مقایسه کرد، اگر چه دینکرت چند قرن بعد از تلمود، در ایران اسلامی و به منظور تفسیر قوانین و آداب و سنن زرتشتی نوشته شده است. دینکرت در بسیاری از موارد نکات مشترکی با تلمود دارد. شش کتاب تلمود، به ترتیب اصلی آن که در می‌شناه آمده عبارت‌اند از^{۳۰}

۱. زراعیم (Zera'im، بذر و دانه) درباره قوانین کشاورزی.
۲. موعد (Mo'ed، عید) درباره قوانین و رسوم اعیاد و نگاهداری روز شنبه، عید پسح، سال نو، مراسم برگزاری سوکا، قرائت طومارهای مذهبی، روزه و مانند اینها.
۳. ناشیم (Nashim، زنان) درباره قوانین و رسوم ازدواج و طلاق و موضوعات مربوط به آن.
۴. نِزِیقین (Neziqin، ضررها و صدمات) شامل قوانین و رسوم کیفری.
۵. قُدَاشیم (Qodashim، مقدسین: تقدیس مراسم ذبح و قربانی) در خصوص ادای مراسم و فرائض مذهبی در کنیساها، قربانی‌ها و جایگاه‌های مقدس و شامل ۱۱ رساله پیرامون قربانی، ختنه، ذبح و نماز.
۶. طُهوروت (Tohorot، طهارت) درباره پاکیزگی، شایست و نشایست و

^{۲۹} تنصر، پادیاوند، جلد ۳، ۱۲۲.

^{۳۰} برای توضیح بیشتر درباره فصول تلمود بنگرید به تنصر، پادیاوند، جلد ۳، ۱۲۰-۱۲۱.

پرهیز از کثافت و نجاست و شامل رسالاتی در موضوعات مرتبط با ظروف، اماکن مسکونی، امراض، غسل، عادت ماهانه زنان، شستشو و مانند اینها.

در دوره ساسانیان، علاوه بر آزادی فرهنگی که منجر به تشکیل آکادمی‌های علمی و گردآوری و تألیف تلمود شد، باید از روابط نزدیک گروهی از رؤسا و رهبران روحانی یهودی با چند تن از پادشاهان ساسانی و مخصوصاً شاپور اول و دوم یاد کرد. نتیجه این روابط حسنه توصیه راب یوسی (م. ۳۲۳م)، یکی از ربابان‌های معروف دوره تلمود، بود که از یهودیان خواست زبان آرامی شرقی را کنار گذارند و به فارسی تکلم کنند.^{۳۱} توضیح آنکه پس از اسارت بابل، تکلم به زبان آرامی شرقی جای زبان عبری را گرفته بود تا بدانجا که تورات و سایر اسفار کتاب مقدس به آرامی ترجمه شده بودند؛ زبانی که در آن زمان زبان مادری یهودیان بابل شناخته می‌شد. فرمان راب یوسی و آغاز تکلم یهودیان به زبان پهلوی پایه تعلق و وابستگی مشترک یهودیان ایران به زبان و فرهنگ ایرانی را مستحکم کرد؛ رابطه‌ای که یهودیان ایران ضمن حفظ اعتقادات مذهبی خود آن را تا به امروز حفظ کرده‌اند و به همین سبب و سایر دلایل سیاسی و مذهبی از بقیه جوامع یهودی جهانی مجزا شده و تا حدی ناشناخته باقی مانده‌اند. جوائه این رابطه و فرهنگ مشترک را با ترجمه و بازنویسی قسمت‌هایی از کتاب مقدس به زبان و خط پهلوی و شکوفایی آن را در دوران ایران اسلامی، به‌خصوص بعد از دوره مغول، به فارسی نو در ادبیات فارسیهود مشاهده می‌کنیم.

یهودیان ایرانی و نقش آنان در فرهنگ ایران اسلامی

پس از استیلای عرب، ساکنان یهودی ایران بیش از یهودیان ساکن سایر کشورها در جنبش‌های مذهبی و ملی و نهضت‌های آزادی‌طلبی شرکت جستند. در این زمینه می‌توان از نهضت‌های چند تن ایرانی‌یهودی مانند ابوعلی اصفهانی و خَیوی بلخی نام برد. در آغاز تسلط اسلام بر ایران، برخلاف آنچه به نظر می‌رسد، یهودیان در گتوها و محلات مخصوص و محدود زندگی نمی‌کردند. شرکت آنان را در نهضت شعوبیه و اخوان‌الصفاء، که می‌خواستند بین مذهب و منطق

^{۳۱} آن‌تصر، پادیاوند، جلد ۱، ۴۲.

رابطه‌ای ایجاد کنند، در مستندات تاریخی چون الفهرست ابن‌الندیم می‌توان دید. دانشمندان ایرانی مانند حمزه اصفهانی (م. ۹۷۱م)، ابوریحان بیرونی (م. ۱۰۴۸م)، ناصر خسرو (م. ۱۰۸۸م) و شهرستانی (م. ۱۱۵۲م) نیز در آثار خود از تماس با دانشمندان یهود و فراگرفتن زبان عبری و علوم یهودیت صحبت کرده‌اند.^{۳۲}

پیدایش فارسی‌هود

هنگام ظهور اسلام و تسلط آن بر ایران، حدود ۳۰۰ سال از توصیهٔ راب یوسی به یهودیان در سرزمین‌های پراکنده مبنی بر تکلم به زبان محل اقامت خود می‌گذشت. آنان با زبان پهلوی آشنایی داشتند، ولی از قرن هفتم میلادی رفته‌رفته همراه با سایر ایرانیان صحبت به فارسی نو را در پیش گرفتند. با این همه، در نوشتار با انتخاب حروف عبری به جای حروف عربی مسیر جداگانه‌ای را طی کردند، به قسمی که اکنون اولین آثار فارسی نو که برای ایرانیان و زبان‌شناسان به جای مانده است، نوشته‌های فارسی نو یهودیان است که به خط عبری نوشته شده و گروهی آن را فارسی‌یهودی (Farsi-yahūdi) و گروهی فارسی‌هود (Farsi-hūd) می‌نامند.

بنا بر گزارش زبان‌شناسان زبان فارسی، گویش یهودیان ایران در دورهٔ خلافت خلفای عباسی فارسی دری یا فارسی نو بود. در تأیید این امر می‌توان ریشهٔ لغات پارسی را در زبان عبری و کتاب مقدس پیگیری کرد که از آن جمله‌اند لغت دین از ریشهٔ دات (dat)، به معنی قانون و مذهب؛ لغت گنج از ریشهٔ گنیزاه (Genizah)، به معنی ذخیرهٔ سرشار و لغت پردیس از ریشهٔ پردس (Pardes)، به معنی باغ یا بهشت. مهم‌تر از این لغات آثار مکتوبی است که از یهودیان به زبان فارسی نو بر روی سنگ‌نبشته‌ها، بشقاب‌ها و آثار فلزی، چند نامه و قرارداد تجاری باقی مانده است که از آن جمله است:

۱. یک نامهٔ تجاری، معروف به نامهٔ دندان اویلیق، متعلق به حدوداً سال ۷۵۰م که یک گروه باستان‌شناسی به ریاست اورل استاین (Aurl Stein) آن را در

^{۳۲} تنصر، منتخب اشعار فارسی از آثار یهودیان ایران (تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۵۲)، ۱۲.

نزدیکی ختن در ترکستان چین کشف کرد. این نامه اکنون در کتابخانه موزه بریتانیا حفظ می‌شود. در سال ۲۰۰۵م، نامه‌ای دیگر در اطراف آن محل و به همان خط یافت شد.

۲. سه عدد کتیبه کوچک که در تنگه‌آزو در افغانستان یافت شده‌اند و حدوداً به سال ۷۵۲م متعلق‌اند.

۳. برخی اسناد کشف‌شده گنیزا، واقع در کنیسای بن‌عزرای قاهره نیز از این جمله‌اند که از بین آنها می‌توان به دو سند محضری متعلق به سال‌های ۹۵۱ و ۱۰۲۰م در اهواز اشاره کرد. این آثار و چندین اثر دیگر از این دوران نشان می‌دهند که ایرانیان یهودی در سراسر ایران سکنی داشته و در نگهداری فرهنگ ایرانی و زبان فارسی نو سهیم بودند.

تعریف فارسی‌یهود

در تعریف فارسی‌یهود می‌توان گفت آنچه به زبان فارسی رسمی و با حروف عبری نوشته شود فارسی‌یهود خوانده می‌شود. این نوشتارها متون کلاسیک و ادبی فارسی نو و نیز لهجه‌های محلی را در بر می‌گیرند. متون فارسی‌یهود از سه ریشه اصلی یهودیت و ایران و اسلام سرچشمه می‌گیرند، ولی کاربرد و تناسب این سه بر اساس نوع متن متفاوت است. در متون ادبی جنبه‌های ایرانی، در متون مذهبی جنبه‌های یهودی و در متون فلسفی یا عرفانی نشان‌های اسلامی بیشتر است. این نوشتارها از نظر متن نیز موضوعات مذهبی و غیرمذهبی، علمی و عرفانی یا تاریخی و نوشته‌هایی درباره‌ی امور زندگانی روزمره را شامل می‌شوند.

خوانندگان و نویسندگان متون فارسی‌یهود

خوانندگان متون فارسی‌یهود اکثراً یهودیان بوده‌اند، کسانی که احیاناً با حروف فارسی نو آشنایی نداشته و سواد خواندن آنان به زبان عبری محدود بوده است. نویسندگان متون فارسی‌یهود به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: گروه اول کسانی بوده‌اند که با زبان و فرهنگ عبری آشنایی بیشتری داشته، از فارسی‌یهود برای

ترجمه متون و قوانین مذهبی استفاده می کردند. گروه دوم شامل کسانی است که با زبان و ادبیات فارسی کاملاً آشنا بوده و آثارشان از حد متون مذهبی پا فراتر نهاده است. اکثر نوشته های این گروه بسیار روشن و از نظر دستوری سالم تر از گروه اول است.

آثار و نویسندگان فارسیهود غالباً متأثر از دو گروه متفاوت بوده است. گروه اول دانشمندان و فلاسفه یهودی غیرایرانی که مأخذ و منشأ تقلید بودند. نام برخی از آنان عبارت است از

۱. ابن میمون یا رامبام (Maimonides) که بر آثار بسیاری از نویسندگان و شعرای فارسیهود اثر گذار بوده است. تأثیر فلسفه ابن میمون را در ترجمه و تفسیر "واجبات و ارکان سیزده گانه ایمان اسرائیل" اثر عمرانی (۱۵۰۸ م) و تأثیر کتاب دلالت الحائرین (*Guide of the Perplexed*) او را بر کتاب های فلسفی فرائض یهودا (*Duties of Judah*) نوشته یهودا بن الازار (۱۶۸۶ م) و کتاب عرفانی حیات الروح نوشته سیمانطوب ملمد (م. ۱۷۹۹/۱۸۲۶ م) می توان یافت.^{۳۳}

۲. سعدیا گائون (سیدبن یوسف الفیومی، Saadia ben Joseph) که در سال های ۸۸۲ یا ۸۹۲ تا ۹۴۲ م در بغداد می زیست و یکی از فلاسفه یهودی و عالم کلامی است. او از اولین کسانی بود که بعد از فیلو (Philo of Alexandria)، که حدوداً در سال های ۲۰ تا ۵۰ پ م در اسکندریه می زیست، فلسفه را وارد یهودیت کرد. تأثیر سعدیا گائون بر نویسندگان فارسیهود در آثار فلسفی یهودا بن الازار و بسیاری دیگر از نویسندگان یهودی نمایان است.

۳. بحیا ابن پکودا (Bahya Ibn Paquda) از کبالیست های اسپانیا و نویسنده کتاب فرائض القلوب (*Duties of the Heart*) است که در اواخر قرن یازدهم میلادی می زیست. تأثیر او را بر کتاب حیات الروح سیمانطوب ملمد، متخلص به طوییا، نویسنده کتاب، خود نیز تأیید کرده است.^{۳۴}

^{۳۳} تنصر، پادیاوند، جلد ۳، ۱۳۱.

^{۳۴} تنصر، پادیاوند، جلد سوم، ۱۳۱.

۴. یهودا بن شموئیل بن عباس بن ابون (Yehuda ben Shmuel b. 'Abbas ben Ebon) یکی از یهودیان اسپانیایی شمال آفریقا بود که در قرن دوازدهم میلادی می‌زیست. منظومه تفسیری قربانی اسحق (Bunding of Isacc)، نوشته بنیامین بن میثائل متخلص به امینا (۱۷۰۲م)، متأثر از اوست.^{۳۵}

گروه دوم که بر آثار نویسندگان فارسی‌هود اثر گذاشته‌اند شعرا و نویسندگان ایرانی غیریهودی بوده‌اند که یا الهام‌بخش آنان بوده‌اند یا آثارشان به فارسی‌هود بازنویسی شده است.^{۳۶} برخی از این گروه عبارت‌اند از

۱. فردوسی که در همه حماسه‌های مذهبی یهودی بر شعرایی چون شاهین و عمرانی و خواجه بخارایی تأثیر بسزایی داشته است. عموماً، کارهای شعرای حماسی فارسی‌هود تقلیدی از اشعار فردوسی است. علاوه بر این، از جمله آثاری که از فردوسی به فارسی‌هود برگردانده شده است، تراژدی "رستم و سهراب" او در شاهنامه است.

۲. سعدی که سبک نثر مسجع او را سیمانطوب ملمد، نویسنده حیات الروح، و پند و اندرزهای اخلاقی و اشعار غنایی او را بسیاری از شعرای فارسی‌هود تقلید کرده‌اند. تأثیر سعدی را مخصوصاً در گنج‌نامه عمرانی می‌توان مشاهده کرد. همچنین، قسمت‌هایی از گلستان و بوستان او به فارسی‌هود برگردانده شده است.

۳. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی که مثنوی او را شاعر فارسی‌هود با نام شاهدی، نویسنده گلشن توحید، تقلید کرده و اشعار عرفانی او الهام‌بخش اکثر شعرای فارسی‌هود بوده است. کتاب فیه مافیه مولانا نیز به فارسی‌هود برگردانده شده است.

۴. حکیم عمر خیام که فلسفه زندگی و اشعار غنایی‌اش الهام‌بخش شاهین بود.

۵. جامی که اشعار غنایی او را می‌توان با اشعار غنایی عمرانی، شاعر فارسی‌هود معاصرش، مقایسه کرد. "یوسف و زلیخا" از او به خط فارسی‌هود برگردانده شده است.

^{۳۵} تنصّر، پادیاوند، جلد ۱، ۷۵.

^{۳۶} تنصّر، منتخب، ۶۲-۶۶؛ تنصّر، پادیاوند، جلد ۱، ۹۷-۹۸.